



آراء نهاده

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا غفوریان



تقریر علمی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد جواد ساداتی

امام خمینی (ره) فیلسوف صدرايي با گرايش شديد عرفاني بود

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: در آثار امام راحل شواهدی موجود است که عمدتاً دیدگاه‌های حکمت متعالیه را پذیرفته و تابع حکمت متعالیه با گرایش شدید به عرفان بود.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: در آثار امام راحل شواهدی موجود است که عمدتاً دیدگاه‌های حکمت متعالیه را پذیرفته و تابع حکمت متعالیه با گرایش شدید به عرفان بود. ارسال // امام فیلسوف صدرايي با گرايش شديد فلسفي استبه گزارش ايكنا، حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا غفوریان؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳ بهمن ماه در نشست علمی «اندیشه‌های فلسفی امام خمینی (ره)» با اشاره به سابقه اشتغال امام به تدریس و تحصیل در فلسفه و عرفان به بیان نمونه‌های تاریخی از این مسئله پرداخت و گفت: امام (ره) در سال ۱۳۱۴ و ۱۳۱۸ برای دو نفر از جمله مرحوم میرزا جواد حجت همدانی نامه نوشته‌اند و این نامه موجود است؛ در متن آن آمده است که بنده سال‌ها برای ایشان علوم عقلی از فلسفه و معارف گفته‌ام. مرحوم حجت همدانی بعدها از حوزه به دانشگاه رفت و در سال ۱۳۶۵ درگذشت.

وی افزود: فرد دیگری که امام برای ایشان نامه نوشته‌اند، مرحوم سیدابراهیم مقبره‌ای خویی است. امام از سال ۱۳۰۷ تا حدود ۱۳۲۸ علوم عقلی اعم از منطق، فلسفه و عرفان را تدریس می‌کردند و جزء مهمترین افرادی بودند که در این سطح تدریس داشتند. چند دوره تدریس منظومه هم داشته‌اند.

غفوریان بیان کرد: براساس خاطرات مرحوم مهدی حائری یزدی هم ایشان در درس منظومه امام حضور داشته‌اند همچنین عباس زریاب قمی هم در سال ۱۳۱۸ در درس امام (ره) حضور پیدا کرده است. امام بعد از تأسیس حوزه علمیه در اوایل سده ۱۳۰۰ شمسی تا سال‌های ۱۳۲۸ شمسی مهمترین کسی بود که بار تدریس علوم عقلی را به دوش خود حمل کردند و شاگردانی چون مطهری، مفتاح، بهشتی و صدر و ... را تربیت کردند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه تألیفات فلسفی که امام به قلم خودشان نوشته‌باشند یک رساله کم حجم به نام طلب الاراده است، گفت: این رساله مطالب عرفانی هم دارد، ولی عمدتاً بحث فلسفی است و به صورت پراکنده در مباحث اصول، موضوعات فلسفی در مورد مطلق و مقید و باب استصحاب هم دارند.

وی افزود: تقریرات درس فلسفه ایشان هم در سه جلد به قلم مرحوم سیدعبدالغنی اردبیلی نوشته شده است که برخی مطالب را امام ملاحظه کرده بودند و در مواردی در حاشیه این تقریر توضیحاتی ارائه فرمودند.

غفوریان با بیان اینکه اگر ما مکاتب فلسفی دوره اسلامی را ملاحظه کنیم به ترتیب زمانی ابتدا گرایش مکتب مشاء را داریم که مهمترین فیلسوف این مکتب، بوعلی سینا، فارابی، بهمنیار، جوزجانی، خواجه نصیر و ... است، اضافه کرد: از قرن ششم گرایش حکمت اشراق ایجاد شد که مروج و بنیانگذار آن مرحوم شهاب الدین سهروردی بود و کسانی چون قطب الدین شیرازی و مرحوم خواجه نصیر بیشتر آرای شیخ اشراق را پذیرفت تا قرن دهم و یازدهم که با ظهور ملاصدرا حکمت متعالیه پیدا شد. رویکرد حکمت صدرايي امام خمینی (ره)

وی با اشاره به سه حکمت مشاء، اشراق و متعالیه اظهار کرد: شواهد زیادی در آثار امام وجود دارد که ایشان عمدتاً دیدگاه‌های حکمت متعالیه را پذیرفته و تابع حکمت متعالیه است؛ البته با گرایش شدید به عرفان؛ تقریباً ایشان هیچ بحث فلسفی را بدون ارتباط با عرفان در نوشته و دروس خود ندارد و همیشه سعی کرده است این را در خدمت مباحث عرفانی ببینند. شاگردان متعدد دروس مختلف فلسفه ایشان هم بر این مسئله تأکید داشته و دارند؛ هم زریاب خویی، مهدی حائری یزدی، شهید مطهری و ... هم به این موضوع تأکید کرده‌اند.

غفوریان تصریح کرد: اصالت وجود و تشکیک، علیت و حرکت جوهری، اتحاد عاقل و معقول و مباحث نفس و معاد جسمانی از موضوعاتی است که به آن از سوی امام (ره) پرداخته شده است؛ در جلد سوم تقریرات فلسفه که بحث اسفار ایشان است؛ صدرا وقتی معاد جسمانی را تبیین می‌کند ۱۲ اصل را مقدمه دیدگاه خود توضیح داده و بعد وارد شده است؛ امام هم در اسفار همین‌ها را از اصالت وجود، اشتراک معنوی، تشکیک و ... آغاز کرده است و انصافاً عمیق‌تر این مقدمات را توضیح داده است.

استاد حوزه و دانشگاه بیان کرد: تقریری که از اصالت وجود دارد، یک سو و همین بحث در اسفار در یک سوی دیگر؛ ایشان توضیحاتی را داده و فرموده‌اند که مرحوم صدرا قصد داشته است این را بگوید و اگر هم نگفته باشد، نقد بر آن وارد می‌کردند. یا

وقتی می خواهند بر علامه مجلسی و دیگران اشکال کنند از تعبیری چون معنای مبتذل هم استفاده کرده اند، البته با احترام زیاد ولی جدی. ایشان بحثی در مورد موضوع علم دارند، ولی خیلی جدی فلسفه را هم وارد کردند و توضیح دادند. موضوع علم را عوارض ذاتیه می دانند.

غفوریان افزود: در دوران اخیر کسانی با اصل این مطالب مخالفت کردند، از جمله مرحوم کمپانی که در بحث اصول با موضوع داشتن هر علم و اینکه جزء عوارض ذاتی است مخالفت کرده است، برخلاف علامه طباطبایی که می گوید در علوم برهانی این سخن درست است، ولی در علوم اعتباری درست نیست. امام(ره) از جمله کسانی است که منکر این مطلب هستند؛ ایشان چند مقدمه دارد که در آن هم تحلیل منطقی و عقلی وجود دارد و هم تحلیل تاریخ علم. از جمله مقدمات ایشان اینکه وحدت گزاره های علوم، وحدت اعتباری است نه حقیقی.

دیدگاه امام(ره) در مورد توسعه علوم
وی بیان کرد: مقدمه دیگر ایشان این است که علوم در طول تاریخ گسترده می شوند و دائماً مسئله به آن ها اضافه می شود، مثلاً به فقه و اصول و فلسفه بنگرید که تحقیق و مباحثه و درس و بحث محققان و علما آن را توسعه داده است. ایشان می گویند قضایای علوم متفاوت هستند و برخی حقیقیه و برخی جزئی هستند؛ ایشان بخش عمده قضایای فقه و اصول را حقیقیه می دانند، گرچه قضایای جزئی هم دارد. علوم هم داریم که اصلاً جزئی است مانند تاریخ. مانند اینکه سلجوقیان چه زمانی آمدند و رفتند و چند جنگ داشتند یا اینکه فلان سرزمین چه ویژگی هایی دارد یا مسائل نجوم و ... که جزئی حقیقی است.

غفوریان با بیان اینکه ایشان درباره عرفان می گوید همه موضوعات آن شخصی حقیقی است، زیرا همه مباحث حول یک وجود یعنی خدا بحث می کند با اشاره به نوآوری های امام در مباحث فلسفی گفت: ایشان مطالبی در مورد برهان صدیقین بیان فرموده و مطالب را به عرفان می کشانند؛ کتاب شرح چهل حدیث ایشان مشهور به کتاب اخلاقی است که درست است، ولی برخی احادیث فلسفی و برخی عرفانی است و در لابلای مباحث اخلاقی هم بحث عرفانی زیادی دارند؛ از جمله مطالبی در مورد برهان صدیقین دارند و طبق عادت خودشان آن را به عرفان منطبق فرموده و می فرمایند کسانی که از سر صدق حق تعالی در باور آنان است، این برهان را می آورند.

وی افزود: این تعبیر در برهان مد نظر امام مأخوذ از آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا يَالْقِسطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ ایشان می فرمایند این برهان ها مفاهیمی در ذهن هستند و راه درست رسیدن به حقیقت عینی این برهان رسیدن به حق تعالی است و انسان در سیر صعودی خود به تجلیات اسماء و صفات و ذات می رسد.

غفوریان با بیان اینکه بحث دیگری که امام به صورت جدی وارد شدند و تواضع زیادی به خرج داده اند، تبیین برهان فطرت است، اظهار کرد: برهان فطرت برگرفته از مطلب مرحوم آیت الله شاه آبادی است؛ ادبیات نگارش مرحوم شاه آبادی و سنخ بیان او بیشتر به عرفان نزدیک است، ولی امام آن را شرح فلسفی کرده است و اگر ایشان به این مطالب شاه آبادی نپرداخته بود دیدگاه ایشان مورد غفلت قرار گرفته بود، زیرا مطلب مرحوم شاه آبادی کوتاه و دارای ابهام است که امام تفصیل داده &zwjz;اند. مطلب دیگر معیار صفات ثبوتی و سلبی حق تعالی است که این را در تقریر فلسفه و شرح ۴۰ حدیث دارند.

وی تأکید کرد: صفات ثبوتی و سلبی بحث برانگیز است تا جایی که بزرگان اندیشمندان ما در این باره سخنانی گفته اند که مقبول واقع نشده است از جمله شیخ صدوق که اوصاف ذاتی حق تعالی را گفته است، باید سلبی معنا کنیم، زیرا نمی توانیم علم و قدرت خدا را درک کنیم و نهایت مطلب این است که نقیض آن را از خدا سلب کنیم، مثلاً اگر خدا علیم و قادر است، یعنی جاهل و ناتوان نیست.

غفوریان افزود: حتی در دوران متاخر کسانی چون مرحوم قاضی سعید هم نتوانسته اند صفات خدا را به درستی تبیین کنند، لذا همان حرف صدوق را بیان می کند.